

مدیریت نوین روستایی و نقش آن در تحول مسکن با توجه بر عملکرد دهیاران (مطالعه موردی: دهستان میش خاص - شهرستان ایلام)

علی اکبر عنابستانی

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد

حجت حاتمی نژاد^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۲۵

چکیده

سکونت‌گاه‌های روستایی به عنوان چشم‌انداز فرهنگی حاصل از تعامل بین انسان و محیط در طی فرآیندهای متأثر از عوامل و نیروهای بیرونی دچار تغییر و تحولاتی در بافت کالبدی - فضایی خود شده‌اند، که این امر موجب پدید آمدن مشکلات و نارسایی‌های فراوانی برای زیست و ادامه سکونت در این روستاها شده است. دهیاری یک نهاد عمومی و غیر دولتی است که وظیفه مدیریت روستایی کشور را بر عهده دارد و در سه جنبه اجتماعی، اقتصادی و محیطی - کالبدی دارای وظایفی می‌باشد که از وظایف محیطی - کالبدی آن صدور پروانه برای ساختمان‌ها و همکاری با بنیاد مسکن در جهت تهیه طرح هادی و ارائه پیشنهادات لازم است. بافت‌های روستایی حاوی اطلاعات مفیدی برای ارزیابی میزان تأثیرپذیری فرآیند شکل‌گیری توسعه طبیعی کالبد روستاها از عوامل مختلف محیطی-اقليمی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی هستند که در بسیاری از روستاهای کشور نیز حضور و تداوم دارند. یکی از مهم‌ترین اهداف این پژوهش آن است که عملکرد دهیاران و نقش آن در تحول سکونتگاه‌های روستایی را مورد بررسی قرار دهد. روش تحقیق در این مطالعه به لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است، که برای گردآوری اطلاعات از روش‌های میدانی و اسنادی کمک گرفته شده و بر اساس آن با توجه به حجم جامعه آماری (۱۲۸۷ خانوار)، حجم نمونه خانوارهای مورد پرسشگری بر پایه‌ی فرمول کوکران برابر ۲۳۸ خانوار بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دهیاران با همکاری در تهیه و اجرای طرح‌های هادی روستایی و جلب مشارکت‌های مردمی در زمینه اجرای هر چه بهتر این طرح‌ها، نقش بسزایی در تحولات مسکن روستاهای مورد مطالعه در اثر پیاده شدن طرح‌های هادی روستایی داشته‌اند. لذا واجب است با حمایت‌های مالی به لحاظ شغلی و آموزشی، دهیاران را به عنوان مدیران روستایی در انجام هر چه بهتر وظایفشان یاری رساند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت روستایی، دهیاری، تحولات مسکن، سکونتگاه روستایی، فضای جغرافیایی.

مقدمه

مسایل مربوط به روستا و توسعه روستایی از جمله مسایلی است که از دیرباز ذهن مسئولان کشور را به خود مشغول داشته که امری طبیعی و منطقی به نظر می‌رسد، چرا که بخش عمده‌ای از جمعیت کشور در روستاها سکونت دارند. باتوجه به اینکه هنوز حدود ۳۱ درصد جمعیت کشور در روستاها زندگی می‌کنند، باید به توسعه روستایی در جهت رسیدن به توسعه ملی توجه خاص داشت. به‌طور کلی تنوع نظام های فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی - سیاسی و اکولوژیک در سطح کشور به استقرار مکانی - فضایی سکونتگاه‌های روستایی به صورت آبادی‌های کوچک و بزرگ و پراکنده منجر شده است. این گونه آبادی‌ها همواره در طول تاریخ با توجه به امکانات طبیعی و قابلیت‌های انسانی، از طریق تأمین بخش عمده‌ای از محصولات کشاورزی به تولید ملی، یاری رسانده، به حیات نسبتاً پایدار خود ادامه داده‌اند. این مجتمع‌ها که به صورت ارگانیک و خود به خودی و با توجه به مسایل طبیعی، مذهبی و عملکردی شکل یافتند واجد نوعی نظم در فرم، الگو و شکل بودند که در اثر استمرار و تجربه حاصل از کارایی به فرم‌های بهتری تبدیل شده و سازمان فضایی مناسب‌تری را جهت پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی تحقق می‌بخشیدند. این سازمان فضایی در ادوار تاریخی حاصل به‌کارگیری رویکردهای مختلفی بوده که هر کدام تأثیرات متفاوتی را بر کالبد عرصه سکونتگاهی برجای گذاشته‌اند. از این رو در تحلیل فرم‌ها و اشکال کالبدی بهتر است به پس‌زمینه‌ی اندیشه‌ی آن‌ها توجه شود و از آنجایی که ارتباط تنگاتنگی میان اشکال عینی و پس‌زمینه اندیشه طرح‌ریزی کالبدی وجود دارد، می‌توان با طرح مصداق‌هایی تا حدود زیادی از اشکال عینی به پس‌زمینه اندیشه‌ای و برعکس از پس‌زمینه اندیشه‌ای به وضعیت اشکال عینی پی برد. اقدامات انجام شده در زمینه‌های ایجاد تأسیسات زیربنایی و تسهیلات رفاهی در روستاهای کشور، جهت مقابله با مهاجرت و شهرگرایی در اواخر برنامه چهارم و دوره برنامه پنجم، نتوانست موازنه لازم را به سود جامعه روستایی برقرار و از هجوم جمعیت روستایی به شهرهای بزرگ، به ویژه تهران، بکاهد (سازمان برنامه و بودجه، ۲۵۳۵، ۲-۳) پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت یافتن نظام جمهوری اسلامی ایران ناخشنودی از روند توسعه کشور، به ویژه در مناطق روستایی، به تشکیل نهادهایی چون بنیاد مسکن، جهاد سازندگی، مراکز خدمات شهری و عشایری و... انجامید. بر خلاف برنامه‌های عمرانی گذشته که از الگوی رشد اقتصادی پیروی می‌کردند، پس از انقلاب تدابیر روستایی بیشتر مبتنی بر الگوی پاسخ به نیازهای اساسی، با هدف برقرای عدالت اجتماعی و توزیع مجدد منابع و امکانات شکل گرفتند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳، ص ۱۲۲). روستاها به وسیله کارکرد اساسی خود که تأمین‌کننده بسیاری از نیازهای زیستی و اقتصادی جامعه روستایی هستند، از خصیصه پویایی و تغییر دائمی برخوردارند. پویایی روستاها در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فضایی قابل بررسی و ملاحظه است. این خصیصه از پویایی افراد و گروه‌های جامعه انسانی روستایی برای اعمال نگرش و علایق خود در ساخت کالبدهای فعالیت و شکل دادن به کالبد و فضای مورد استفاده و تصمیمات در حال تغییر آن‌ها برای رویارویی با عوامل محدودکننده تمایلات خود در شکل دادن به فضا و کالبد روستا ناشی می‌شود. بنابراین پذیرش پویایی و تغییر دائمی برای جامعه انسانی موجب الزام به پذیرش تغییرات دائمی و پویایی روستا در ابعاد مختلف آن است (احمدیان، و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۶ و ۱۷). مسکن روستایی از نظر نحوه سکونت خانوارها و گروه‌های روستایی معمولاً به ۲ دسته تقسیم می‌شوند: سکونتگاه‌های روستایی دائمی و

فصلی. به همین ترتیب، از نظر شکل نیز این گونه سکونتگاه‌ها به صورت اصلی نمایان می‌شوند: سکونتگاه‌های مجتمع یا کانونی؛ و سکونتگاه‌های متفرق یا پراکنده. در کنار این دو شکل اصلی، شکل سومی نیز مطرح است که آن را می‌توان شکل بینابینی نامید. با توجه به ویژگی‌های محیطی - اکولوژیک، تاریخی - فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی در نواحی مختلف، عوامل و نیروهای گوناگون و متنوعی در تفرق و یا تجمع سکونتگاه‌های روستایی دخالت دارند. از آن میان، دسترسی نسبتاً یکسان به منابع آب و خاک؛ اراضی نسبتاً ناهموار؛ غلبه مالکیت خرد فردی و خانوادگی و رواج اقتصاد متکی بر دامداری به شکل متفرق و در مقابل، غلبه اقلیم خشک و نیمه‌خشک؛ محدودیت منابع آب یا منبع آب مشترک؛ پیوندها و بستگی‌های قومی؛ و رواج کشت جمعی و اشتراکی به شکل مجتمع منجر می‌شود. نقش و اثربخشی هریک از این عوامل و نیروها تابع شرایط زمانی و مکانی است. سکونتگاه‌های روستایی از نظر عملکرد نیز متفاوتند، هرچند، به‌طور کلی، می‌توان از روستاهای تک عملکردی و یا روستاهای چندعملکردی یاد کرد. برخلاف تصور رایج، روستاها ممکن است عملکرد یا عملکردهای زراعی، خدماتی، صنعتی، گردشگری، خوابگاهی، درمانی - استراحتگاهی و مانند آن داشته باشند (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، ۱۳۸۷، ص ۶۵). بافت کالبدی روستاها علاوه بر دخالت مستقیم افراد جامعه از عوامل محیطی نیز تأثیر می‌پذیرند. شدت تأثیرگذاری این عوامل گاه به واسطه توانایی‌هایی انسانی کاهش می‌یابد ولی همواره تأثیرات خود را بر شکل‌بندی کالبد و سازمان فضایی روستا حفظ می‌کند. بنابراین خصوصیات کالبدی روستاها تحت تأثیر دو گروه کلی عوامل مرتبط با محیط یا طبیعت یا انسان شکل می‌گیرد. روستاها تکامل و توسعه خود را طی دو فرآیند مبتنی بر حرکت طبیعی یا ارگانیک و برنامه‌ریزی از پیش اندیشیده شده دنبال می‌کنند بافت‌های روستایی حاوی اطلاعات مفیدی برای ارزیابی میزان تأثیرپذیری فرآیند شکل‌گیری توسعه طبیعی کالبد روستاها از عوامل مختلف محیطی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی هستند که در بسیاری از روستاهای کشور نیز حضور و تداوم دارند. دهیاران به عنوان مدیران عرصه روستاها در کشور، با اولویت‌سنجی مشکلات روستائیان و همکاری‌های مستمر خود در زمینه تهیه طرح‌های هادی روستایی با بنیاد مسکن و مشاوران طرح‌های هادی، می‌توانند نقش بسزایی در بهینه‌اجرا شدن این طرح‌ها و همگام بودن با نیازهای واقعی مردم داشته باشند. تا به امروز بافت‌های مسکونی روستاها، عمدتاً در انطباق با خصوصیات محلی روستاها شکل می‌گرفتند، استفاده از مصالح ساختمانی مناسب در اقلیم مختلف سرد و معتدل و گرم برای مقابله با مشکلات آب و هوایی، تبعیت از منابع آب (چشمه، قنات، آب انبار) در تمرکز مراکز عملکردی مختلف، میل به تمرکز در زمین‌های نامناسب برای کشاورزی در روستاهایی که کشاورزی گسترش بیشتری دارد، ساخت واحدهای مسکونی دو طبقه و محدود شدن حیاط در روستاهای شیب‌دار دامنه‌ای، نمونه‌های محدود ولی شایع از تأثیرپذیری خصوصیات کالبدی روستاها از عوامل مختلف محلی در کشور است. این واقعیات بهترین راهنما برای تعیین ضوابط مطلوب برنامه‌ریزی کالبدی روستاهاست. شناخت این واقعیات و استخراج قانونمندی‌های مرتبط با آن‌ها و پردازش یافته‌های بدست آمده به عنوان اصول کلی در کنار اصول شهرسازانه و معمارانه برای توسعه کالبدی روستاها، سبب پرورش ضوابط مطلوب برای هدایت توسعه کالبدی روستاها می‌شود (احمدیان و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۶ و ۱۷). امروزه با توجه به این موضوع که روستاهای ما در حال از دست دادن هویت خود به لحاظ فرهنگی و کالبدی می‌باشند و این امر سرعت زیادی در اثر الگو برداری از شیوه‌های زندگی شهری داشته است و هرروزه شاهد تغییرات سکونت‌گاه‌های

روستایی از حالت بومی و سنتی خود به شکل کپی‌برداری‌های شهری می‌باشیم؛ در این میان دهیاران به عنوان مدیران روستایی می‌توانند نقش بسزایی در تحولات کالبدی روستاها آن هم به صورت صحیح و در راستای نیازهای واقعی مردم و هم جهت با فرهنگ بومی مناطق مختلف داشته باشند. با توجه به مباحث گفته شده این سوال مطرح می‌شود که آیا مدیریت نوین روستایی در تحول سکونتگاه‌های روستایی نقش داشته است؟

پیشینه‌ی نظری تحقیق

پارادیم جدید مدیریت روستایی ایران در محورهای مدیریت زمین و تولید کشاورزی، مدیریت زیرساخت‌ها و خدمات زیربنایی، مدیریت مالی و نظام درآمد هزینه‌ها برای روستاها، مدیریت محیط زیست و توسعه پایدار و مدیریت برای کاهش فقر و عدالت اجتماعی قابل بررسی است. هر یک از محورهای فوق در دهه‌های قبل دارای شدت و ضعف در عملکرد و اجرا و حتی گاه به عنوان راهبرد اساسی در برنامه‌های کلان مطرح بوده است. بررسی جنبه‌های مختلف این محورها بیان‌کننده گستردگی مدیریت روستایی در ایران است. گستردگی مفهوم مدیریت روستایی علاوه بر اینکه مشکلات رسیدگی به امور مربوط به روستا را بیان می‌کند. چگونگی مراجعه مطلوب به روستا و برنامه‌ریزی روستایی را برای کارشناسان و متخصصین در محورهای یاد شده آشکار می‌سازد (قدیری معصوم و ریاحی ۱۳۸۲، ص ۲). نظام مدیریت روستایی ایران طی سالیان طولانی به لحاظ ساختارهای اجتماعی، تحولات و دگرگونی‌های پیچیده‌ای داشته است و متأسفانه خلاء مدیریت کارآمد و اصولی در روستاها در تمامی این ادوار به خصوصاً سال ۱۳۴۰ و در دهه‌های اخیر مشکلات عدیده‌ای را برای روستائیان ایجاد نموده است. اگرچه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تشکیلاتی تحت عناوین شورای اسلامی، خانه همیار، دفتر عمران روستایی و غیره در روستاها شکل گرفتند ولی به دلیل نداشتن زمینه‌های لازم و سازمان‌های اجرایی مرتبط توفیق قابل قبولی حاصل نکردند. به دلیل این نابسامانی‌ها در سال ۱۳۷۷ قانون تاسیس دهیاری خودکفا در روستاهای کشور به تصویب رسید و از سال ۱۳۸۱ به مرحله اجرا رسید. به طور کلی شیوه نوین مدیریت روستایی در ایران را باید یک گام بسیار موثر در راستای عمران و آبادی روستاها تلقی نمود. اصولاً انجام هر کار تحقیقی، بدون آگاهی و پرداختن به نظریه‌های مطرح و مرتبط با موضوع مورد مطالعه امکان‌پذیر نمی‌باشد. چرا که نظریه به منزله چراغ راه است و می‌تواند به صورت مبنایی برای شکل دادن و مشخص نمودن چهارچوب کلی کار و به عنوان ابزاری جهت هدایت محقق در کلیه مراحل تحقیق برای دستیابی به نتایج بهتر مطرح باشد. اهمیت بررسی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها پیرامون هر موضوعی از آنجا ناشی می‌شود که آگاهی و بینش کافی پیرامون دیدگاه‌های مطرح، موضوع مورد پژوهش را در مسیری قرار می‌دهد که دستیابی به اهداف مورد نظر را تسهیل می‌نماید. «هر پژوهنده‌ای در مسیر کشف و دستیابی به حقایق علمی، نیازمند کوششی است عملی به منظور جمع‌آوری شواهد و یافته‌های تجربی و برقرار نمودن همبستگی میان یافته‌ها و تبیین آن‌ها از طریق استقراء بدون به کار بردن هرگونه تصورات و تخیلات و توضیحات اضافه بر مشاهدات تجربی (رفیع‌پور، ۱۳۶۷، ص ۱۴). در باب مدیریت روستایی، تحقیقات، مطالعات، گزارش و مقالاتی به رشته تحریر درآمده و گروه‌های علمی نظیر جغرافیا، مدیریت، جامعه‌شناسی و... بدان پرداخته‌اند و عمدتاً در این پژوهش‌ها صاحب نظران به فراخور جهان‌بینی و زمینه علمی خویش از زوایا و ابعاد گوناگون مدیریت روستایی را

مورد بررسی قرار داده‌اند. اما در خصوص دهیاری‌ها به عنوان مدیریت نوین روستایی با توجه به سابقه اندکی که از زمان تشکیل و تأسیس دارند، تحقیقات معدودی صورت گرفته است. از جمله تحقیقات، مقالات و گزارش‌هایی که در این ارتباط نگارندگان به آن‌ها دسترسی داشته‌اند عبارتند از:

نعمتی و بدری (۱۳۸۶) در ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی به مقایسه و بررسی رابطه میان عوامل ساختاری، اجتماعی و اقتصادی با میزان موفقیت دهیاری‌ها در روستاهای کوچک و بزرگ پرداخته شده است. آن‌ها در این تحقیق به این نتیجه رسیدند که جمعیت به عنوان یک شاخص اساسی نقش مهمی در میزان موفقیت دهیاری‌ها دارد. شرایط موجود برای فعالیت دهیاری‌ها کاملاً به نفع روستاهای بزرگ و به زیان روستاهای کوچک است. افتخاری و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهشی تحت عنوان «نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار»، به بررسی نهادهای تأثیرگذار در مدیریت توسعه روستایی (دولت، مردم و بازار) پرداخته و این سؤال را مطرح نموده که آیا مدیریت مشارکتی می‌تواند منجر به شکل‌گیری ترکیب مناسبی از بازیگران عرصه مدیریت روستایی شود؟ یافته‌های این تحقیق مبین این نکته است که امروزه نوع مدیریت در جامعه روستایی برای نیل به توسعه پایدار که در آن انسان محور توسعه بوده و هدف نهایی آن نیز رساندن انسان به رضایت‌مندی در زندگی خود است، مدیریت مشارکتی یا نوین است و یکی از ارکان اصلی مدیریت و توسعه روستایی توان‌مندسازی است. عبدالعلی لهسایی‌زاده (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان مدیریت روستایی در ایران معاصر به این نتیجه رسیده است که حفظ نظم روستایی در هر سه دوره (قبل از اصلاحات ارضی، بین اصلاحات ارضی تا انقلاب اسلامی و بعد از آن) مشکلات خاص خود را داشته و امروز نیز روستاهای ایران با وجود دارا بودن نهادی رسمی برای مدیریت روستا از یک خلاء مدیریتی رنج می‌برند. آنچه می‌تواند راه حل این معضل اجتماعی باشد، پیوند زدن نهاد کنترل روستایی مردمی با ساختار رسمی جامعه است.

نتایج مطالعات چوپچیان و همکاران (۱۳۸۶) در بررسی عوامل موثر بر عملکرد دهیاری‌های استان گیلان نشان می‌دهد که متغیرهایی که بر عملکرد دهیاران تأثیر معنی‌دار داشته‌اند عبارتند از: همکاری سازمان‌ها، رضایت شغلی دهیار، مشارکت مردمی، درآمد دهیاری و تجهیزات و امکانات دهیاری‌ها. محسن علینی (۱۳۸۵) در بررسی زمینه‌های تاریخی و چالش‌های ساختاری مدیریت روستایی در ایران معتقد است که مدیریت روستایی در ایران از گذشته‌های دور تاکنون با چالش‌های ساختاری و مسائل و مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو بوده است. از یک سو با توجه به تغییر شرایط و مقتضیات زمانی، دیگر ساختار سنتی اعمال مدیریت در مناطق روستایی قادر به حل و فصل مشکلات این جامعه‌ی تولیدکننده نبوده و از دیگر سو، ساختار جدید مدیریت روستایی که متنی بر مشارکت مردم در امور و برنامه‌ریزی از پایین به بالا است به دلایل متعدد از جمله غیربومی بودن و ریشه در بطن جامعه‌ی ایرانی نداشتن نتوانست جایگاه خود را پیدا نماید. مهدوی و نجفی کانی (۱۳۸۴)، در پژوهشی با عنوان دهیاری‌ها تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران ضمن بررسی مسائل مدیریتی در ایران و تبیین چگونگی تشکیل دهیاری‌ها، نقاط قوت و ضعف آن‌ها را مورد تجزیه تحلیل قرار داده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که فعالیت‌های دهیاران گواه بر این مدعاست که امروزه دهیاران می‌توانند نقش مهمی در توسعه روستایی به ویژه بهبود اوضاع کالبدی- فیزیکی روستا ایفاء نمایند. عبدالهیان و همکاران (۱۳۸۵) در مقاله‌ای تحت عنوان اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستایی در

ایران بر اساس عوامل تأثیرگذار بر فرایند مدیریت روستاهای ایران، با طراحی فرمول اندازه گیری عملکرد مدیریت روستایی، ابزاری را برای سیاست‌گذاری‌های مدیریتی در روستاها فراهم نموده‌اند تا با کاربرد این ابزار بتوان اصلاح لازم را در حوزه ضعف‌های نظام مدیریت روستایی ایجاد کرد.

مواد و روش‌ها

محدوده و قلمرو پژوهش - موقعیت به طور کلی بیانگر وضعیت خاص یک محل در سطح زمین است. نحوه پراکنش و ساختار مکانی سکونتگاه‌های روستای به عوامل چندی بستگی دارد. ساختار مکانی در واقع نمود عینی عملکرد روندهای طبیعی، اکولوژیکی و اجتماعی است (سعیدی، ۱۳۷۹، ص ۳۹). استان ایلام با ۲۰۱۵۰ کیلومتر مربع حدود ۱/۲ درصد مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد. این استان به شکل یک متوازی‌الاضلاع در گوشه جنوب غربی کشور واقع شده که در غرب سلسله جبال زاگرس بین ۳۱ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی واقع شده است. استان ایلام به خاطر زیبایی طبیعتش به «عروس زاگرس» شهرت یافته است. دهستان میش خاص در بخش مرکزی شهرستان ایلام و در جنوب شهر ایلام واقع شده است. این دهستان با مساحت ۲۳۱/۵ کیلومتر مربع ۱۱ درصد مساحت شهرستان را در بر گرفته است. بر اساس سر شماری سال ۱۳۸۵ در سطح دهستان میش خاص ۱۹ روستای دارای سکنه وجود داشته است.

روش تحقیق - جغرافیا، علمی است با روش‌های متعدد، بنابراین جغرافیا به مقتضای طبیعت خود، دارای روش تحقیق است (ژرژ، ۱۳۷۵، ص ۱۵) تحقیق حاضر برای رسیدن به اهداف بر اساس روش توصیفی - تحلیلی است و از آنجایی که نتایج این پژوهش مورد استفاده فرمانداری و دهیاری‌ها می‌باشد، نوع تحقیق از نظر هدف کاربردی است. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز از روش‌های گوناگون زیر استفاده شده است. روش کتابخانه‌ای و اینترنتی، روش اسنادی و آرشیوی، روش میدانی به صورت تکمیل پرسشنامه از جامعه نمونه و مصاحبه و مشاهده. جامعه آماری عبارت است از کلیه عناصر و افرادی که در یک مقیاس جغرافیایی مشخص، دارای یک یا چند صفت مشترک باشند. از آنجایی که دهستان میش خاص دارای ۲۰ روستا می‌باشد، جامعه آماری در این پژوهش روستاهای دارای دهیاری و طرح هادی اجرا شده است که شامل ۱۰ روستا می‌باشند. برای برآورد حجم نمونه در روستاهای مورد مطالعه روش‌های متعددی مورد کندوکاو قرار گرفت و در نهایت، نمونه‌گیری به روش ریاضی و به کمک فرمول کوکران به شرح زیر صورت گرفته است. با توجه به محاسبات انجام شده تعداد نمونه ۲۳۸ نفر تعیین گردید.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

تفاضل نسبت واقعی صفت در جامعه با میزان تخمین محقق برای وجود آن صفت = d

درصد افرادی که فاقد آن صفت در جامعه هستند = q

درصد توزیع صفت در جامعه = p

اندازه متغیر در توزیع طبیعی = t

جامعه نمونه = n

$$n = \frac{t^2 pq}{d^2} = \frac{(1/96)^2 \times (\%80 \times \%20)}{0/0025} = 245$$

$$n = \frac{245}{1 + \frac{(245-1)}{9177}} = \frac{245}{1/0265} = 238$$

جدول ۱: تعداد نمونه از هر روستا با استفاده از فرمول کوکران

شرح	جعفرآباد	محمودآباد	پاکل گراب	میدان	حیدرآباد	چنگیه فجر	حسین آباد	داروند	چنارباشی	طولاب	کل
جمعیت	۲۰۹۲	۸۵۴	۱۱۳۹	۸۶۹	۶۹۱	۳۲۱	۶۱۸	۳۶۴	۴۶۲	۳۵۹	۹۱۷۷
تعداد نمونه	۶۴	۲۶	۳۵	۲۷	۲۱	۱۰	۱۹	۱۱	۱۴	۱۱	۲۳۸

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

فرضیه یک بیانیه و یا اغلب سوالی است که بعد از جمع‌آوری اطلاعات و سوابق تحقیق و انجام تحلیل می‌تواند به صورت مثبت، منفی و یا معقول پاسخ داده شود. در مجموع فرضیه با هدف آشکار سازی و تعریف بیشتر درباره مسئله مورد تحقیق مفید فایده می‌باشد (بهرروز، ۱۳۷۸، ص ۱۰۳) با توجه به سوال تحقیق فرضیه این پژوهش به شرح زیر مطرح می‌شود «به نظر می‌رسد که مدیریت نوین روستایی در تحولات سکونتگاه‌های روستایی نقش مثبت داشته است».

ویژگی‌های جمعیتی - از آنجا که جمعیت و توسعه، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند، برنامه ریزی و سیاست‌گذاری در زمینه هر کدام از آنها بدون آگاهی از وضعیت جمعیتی یک فضای جغرافیایی و یا بدون داشتن آمار درست و عدم دقت در ترکیب و ساختمان جمعیت، نتیجه‌گیری در برنامه ریزی اقتصادی، فرهنگی و آموزشی را با شکست مواجه می‌سازد (شیخی، ۱۳۷۹، ص ۵۷).

در روند تحولات جمعیتی در سطح روستاهای منطقه شاهدیم که جمعیت کل منطقه از ۹۲۰۶ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۹۱۷۷ نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش می‌یابد که نرخ رشد سالانه‌ای معادل ۰/۱۵- درصد را نشان می‌دهد. در توزیع فضایی نرخ رشد سالانه‌ی جمعیت در آبادی‌های منطقه، ۳ روستا دارای نرخ رشد منفی، ۵ روستا دارای نرخ رشد صفر تا یک درصد و فقط ۲ روستا دارای نرخ رشد سالانه‌ی بیشتر از یک درصد بوده‌اند. در بین روستاهای مورد مطالعه، روستای طولاب با ۲/۷- درصد پایین‌ترین و روستای جعفرآباد با ۱/۹ درصد بالاترین نرخ رشد سالانه را در دو دهه‌ی ۸۵-۱۳۶۵ دارا بوده است.

جدول ۲: تحولات جمعیتی روستاهای نمونه در دوره‌های آماری ۱۳۶۵-۱۳۸۵

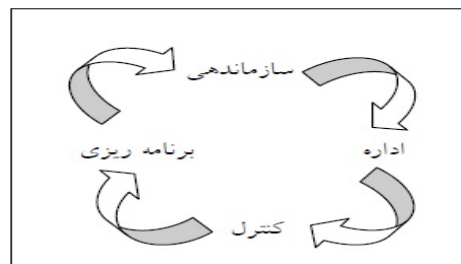
نام روستا	۱۳۶۵ (نفر)	۱۳۷۵ (نفر)	۱۳۸۵ (نفر)	نرخ رشد ۶۵-۷۵	نرخ رشد ۸۵-۷۵
پاکل گراب	۸۰۶	۹۷۶	۱۱۳۹	۱/۹۳	۱/۵۵
جعفرآباد	۱۴۳۷	۱۸۰۴	۲۱۰۵	۲/۳۰	۱/۵۵
چنار باشی	۵۲۵	۵۴۵	۴۶۲	۰/۳۷	-۱/۶۴
چنگیه فجر	۵۱۶	۲۹۳	۳۲۱	-۵/۵۰	۰/۹۲
حسین آباد	۴۹۴	۶۰۳	۶۱۸	۲/۰۱	۰/۲۵
حیدر آباد	۷۱۳	۶۳۶	۶۹۱	-۱/۱۴	۰/۸۳
داروند	۵۷۵	۵۶۴	۳۶۴	-۰/۱۹	-۴/۲۸
طولاب	۶۲۴	۵۶۸	۳۵۹	-۰/۹۳	-۴/۴۸
محمود آباد	۶۸۱	۸۴۳	۸۵۴	۲/۱۶	۰/۱۳
میدان	۸۳۶	۸۴۴	۸۶۹	۰/۰۹	۰/۲۹
کل دهستان	۹۲۰۶	۹۱۶۷	۹۱۷۷	-۰/۴۰	۰/۰۱

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

مبانی نظری تحقیق

مفهوم مدیریت روستایی - با عنایت به تعریف مدیریت به صورت عام، می‌توان مدیریت روستایی را برنامه‌ریزی برای روستا، سازمان‌دهی اقدام توسعه‌ای و هماهنگی و نظارت بر اقدامات انجام شده دانست (دربان آستانه، ۱۳۸۴، ص ۱۴). به عبارت دیگر، مدیریت روستایی علم «تلفیق و تنظیم عوامل مختلف طبیعی، انسانی، اقتصادی، و... در جامعه روستایی» است (طالب، ۱۳۷۵، ص ۵). در نتیجه، براساس تعریف توسعه روستایی نیز می‌توان گفت که مدیریت روستایی در واقع فرآیند سازمان‌دهی و هدایت جامعه روستایی از طریق شکل‌دهی سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندر کار در اداره مناطق روستایی است. این سازمان‌ها و نهادها ابزارهای تأمین هدف‌های جامعه روستایی هستند، هدف‌هایی که مردم آن‌ها را با توجه به خواسته‌ها و امکانات موجود خود ترسیم کرده و می‌کنند. طی چندین دهه گذشته، الگوی مدیریتی حاکم بر کشورهای در حال توسعه به ویژه کشور ما، تمرکزگرا (بالا و پایین) و دولت مشارکت روستاییان را در برنامه‌های اجرایی در پایین‌ترین حد خود قرار داده است که اثر آن را در برنامه‌های توسعه گذشته به چشم می‌خورد. به همین علت است که با وجود سرازیر شدن امکانات به روستاها در اوایل انقلاب، باز شاهد کاهش مشکلات روستاها و به تبع آن شهرها نشده‌ایم و این طرح‌ها به دلیل عدم توجه به خواسته‌های واقعی مردم و عدم مشارکت آن‌ها در فرایند برنامه‌ریزی در بیشتر موارد با استقبال ساکنان مناطق روستایی مواجه نشده است. ولی امروزه با پی‌بردن به اثر منفی برنامه‌ریزی متمرکز، نگرش برنامه‌ریزان نسبت به مدیریت و برنامه‌ریزی متمرکز، نگرش برنامه‌ریزان نسبت به مدیریت و برنامه‌ریزی و توسعه روستایی تغییر یافته که منجر به بروز تحول عظیمی در روند مدیریت روستایی شده است. پیامد این تغییر گرایش به استفاده از نیروهای مردمی در فرآیند تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی روستایی است که می‌توان برای مثال به انتخاب شوراهای اسلامی محلی، انتخاب دهیار از ساکنان روستا و... اشاره کرد. امروزه نظریه‌پردازان در برنامه‌ریزی و مدیریت به نظریه شراکت معتقدند. جان ترنر، در نظریه شراکت، بیان می‌کند که به جای اینکه دولت یا مردم فراهم‌کننده یا تصمیم‌گیرنده باشند. هر دو با هم این وظیفه را انجام می‌دهند. در این همکاری دولت آنچه را مردم نمی‌توانند و همزمان مردم محلی در چارچوب تشکیلات اجتماعات محلی خود، هر آنچه را می‌توانند، فراهم می‌کنند و در مورد آن تصمیم می‌گیرند (رضوانی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۲). بنابراین، در الگوی جدید برنامه‌ریزی و مدیریت روستا تأکید بر رهیافت مشارکتی با حرکتی دوسویه است که عاملی مؤثر در افزایش توان اجتماعات برای پاسخ‌گویی به نیازهای مردم روستایی در جریان توسعه به شمار می‌رود.

نمودار (۱) - ارتباط نقش‌های کارکردهای مدیریت



ماخذ: فیروز نیا، ۱۳۸۶: ۴۱.

در مجموع، مدیریت روستایی در خدمت توسعه پایدار روستایی و به دنبال تحقق توسعه ملی است.

اهداف مدیریت روستایی - هدف مدیریت روستایی دستیابی به توسعه و به دنبال آن توسعه پایدار روستایی است. پس مدیریت روستایی دارای نقاط مشترکی با اهداف توسعه روستایی و توسعه پایدار است. این اهداف مشترک عبارتند از:

- ۱- تأمین نیازهای اساسی
- ۲- افزایش تولید و امنیت غذایی
- ۳- کاهش فقر
- ۴- افزایش درآمد
- ۵- حفظ محیط زیست
- ۶- توسعه فرصت‌های شغلی
- ۷- افزایش مشارکت و اعتماد به نفس

این اهداف مشترک مبتنی بر اصول بنیادینی است که هیچ کشوری نمی‌تواند آن‌ها را نادیده بگیرد؛ یعنی برآیند این اصول و اهداف باید منجر به عدالت- به ویژه عدالت مکانی- شود (فیروزنیا و افتخاری، ۱۳۸۲، ص ۱۴۳).

بنابراین هدف کلان مدیریت روستایی، حرکت برای رسیدن به وضعیت مطلوب با استفاده از توان‌های بالقوه و بالفعل موجود در روستا، هم سود با بهبود وضعیت جامعه روستایی است. در نتیجه، یکی از اهداف پایه‌ای مدیریت روستایی برطرف کردن نیازهای اولیه روستاییان است. از آنجا که انسان‌ها براساس جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند و محیطی که از آن تأثیر می‌پذیرند دارای نیازهای متفاوتی‌اند، مدیریت روستایی در روستاهای مختلف به شکل متفاوتی عمل می‌کند و الگوی مدیریتی ثابتی برای تمام روستاها استفاده نمی‌شود (طالب، ۱۳۷۵، ص ۶).

کارکرد مدیریت روستایی - کارکرد مدیریت روستایی را می‌توان در چهار زمینه برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، اداره و کنترل خلاصه نمود که به صورت یک حلقه ابعاد مختلف کارکرد مدیریت روستایی به یکدیگر پیوند داشته و خلل در یکی از زمینه‌ها دیگر عرصه‌ها را نیز دچار مشکل خواهد کرد. هر چند که ممکن است برخی از زمینه‌ها کم‌رنگ باشد، اما تمامی عرصه‌های فوق را در حیطه مسایل عمومی روستا شامل می‌شود. بررسی تفصیلی هر یک از ابعاد فوق و ارائه سازوکار لازم برای اجرای ابعاد گسترده وظایف مدیریت روستایی وظیفه مناسب‌تری را برای تحقق توسعه روستایی فراهم نماید (فیروزنیا، قدیر و افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، ۱۳۸۲، ص ۴۱).

ماده (۱۰): مصوبه هیأت وزیران - ۱۳۸۰/۱۱/۲۱ - وظایف تفصیلی دهیار و دهیاری‌ها جهت اداره و حفظ و توسعه پایدار روستا براساس قانون شوراها و با رعایت قوانین و مقررات مربوط به شرح زیر است:

تحقیقات انجام شده در زمینه‌ی مدیریت روستایی

در باب مدیریت روستایی، تحقیقات، مطالعات، گزارش و مقالاتی به رشته تحریر در آمده و گروه‌های علمی نظیر جغرافیا، مدیریت، جامعه‌شناسی و... بدان پرداخته‌اند و عمدتاً در این پژوهش‌ها صاحب نظران به فراخور جهان بینی و زمینه علمی خویش از زوایا و ابعاد گوناگون مدیریت روستایی را مورد بررسی قرار داده‌اند. اما در خصوص

دهیاری‌ها به عنوان مدیریت نوین روستایی با توجه به سابقه اندکی که از زمان تشکیل و تأسیس دارند، تحقیقات معدودی صورت گرفته است. از جمله تحقیقات، مقالات و گزارش‌هایی که در این ارتباط نگارندگان به آن‌ها دسترسی داشته‌اند عبارتند از:

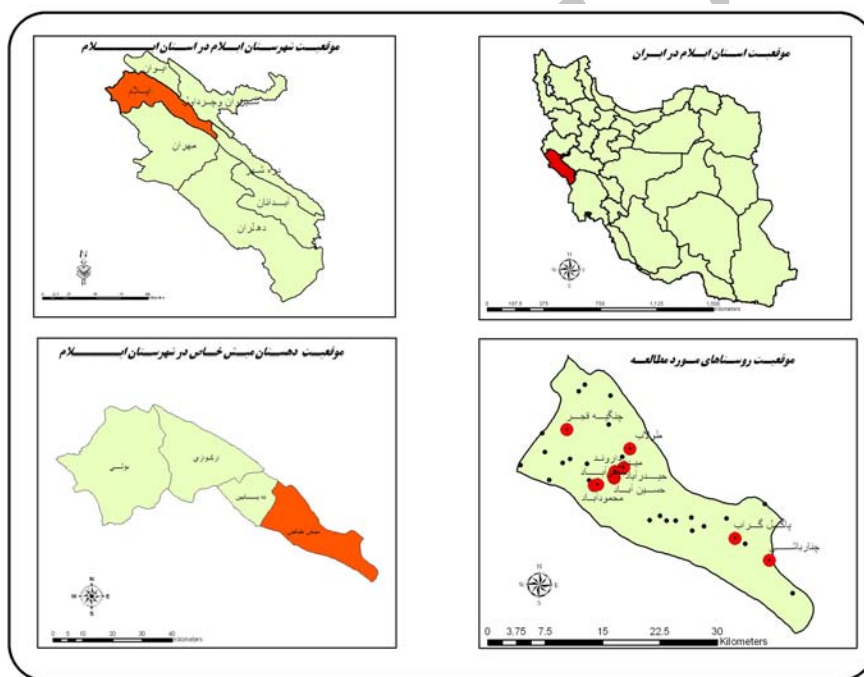
نعمتی و بدری (۱۳۸۶) در ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی به مقایسه و بررسی رابطه میان عوامل ساختاری، اجتماعی و اقتصادی با میزان موفقیت دهیاری‌ها در روستاهای کوچک و بزرگ پرداخته شده است. آن‌ها در این تحقیق به این نتیجه رسیدند که جمعیت به عنوان یک شاخص اساسی نقش مهمی در میزان موفقیت دهیاری‌ها دارد. شرایط موجود برای فعالیت دهیاری‌ها کاملاً به نفع روستاهای بزرگ و به زیان روستاهای کوچک است. افتخاری و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهشی تحت عنوان «نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار»، به بررسی نهادهای تأثیرگذار در مدیریت توسعه روستایی (دولت، مردم و بازار) پرداخته و این سؤال را مطرح نموده که آیا مدیریت مشارکتی می‌تواند منجر به شکل‌گیری ترکیب مناسبی از بازیگران عرصه مدیریت روستایی شود؟ یافته‌های این تحقیق مبین این نکته است که امروزه نوع مدیریت در جامعه روستایی برای نیل به توسعه پایدار که در آن انسان محور توسعه بوده و هدف نهایی آن نیز رساندن انسان به رضایتمندی در زندگی خود است، مدیریت مشارکتی یا نوین است و یکی از ارکان اصلی مدیریت و توسعه روستایی توانمندسازی است. عبدالعلی لهسایی‌زاده (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان مدیریت روستایی در ایران معاصر به این نتیجه رسیده است که حفظ نظم روستایی در هر سه دوره (قبل از اصلاحات ارضی، بین اصلاحات ارضی تا انقلاب اسلامی و بعد از آن) مشکلات خاص خود را داشته و امروز نیز روستاهای ایران با وجود دارا بودن نهادی رسمی برای مدیریت روستا از یک خلأ مدیریتی رنج می‌برند. آنچه می‌تواند راه حل این معضل اجتماعی باشد، پیوند زدن نهاد کنترل روستایی مردمی با ساختار رسمی جامعه است.

نتایج مطالعات چوبچیان و همکاران (۱۳۸۶) در بررسی عوامل موثر بر عملکرد دهیاری‌های استان گیلان نشان می‌دهد که متغیرهایی که بر عملکرد دهیاران تأثیر معنی‌دار داشته‌اند عبارتند از: همکاری سازمان‌ها، رضایت شغلی دهیار، مشارکت مردمی، درآمد دهیاری و تجهیزات و امکانات دهیاری‌ها. محسن‌علینی (۱۳۸۵) در بررسی زمینه‌های تاریخی و چالش‌های ساختاری مدیریت روستایی در ایران معتقد است که مدیریت روستایی در ایران از گذشته‌ی دور تاکنون با چالش‌های ساختاری و مسائل و مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو بوده است. از یک سو با توجه به تغییر شرایط و مقتضیات زمانی، دیگر ساختار سنتی اعمال مدیریت در مناطق روستایی قادر به حل و فصل مشکلات این جامعه‌ی تولیدکننده نبوده و از دیگر سو، ساختار جدید مدیریت روستایی که متنی بر مشارکت مردم در امور و برنامه‌ریزی از پایین به بالا است به دلایل متعدد از جمله غیربومی بودن و ریشه در بطن جامعه‌ی ایرانی نداشتن نتوانست جایگاه خود را پیدا نماید. مهدوی و نجفی‌کانی (۱۳۸۴)، در پژوهشی با عنوان دهیاری‌ها تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران ضمن بررسی مسائل مدیریتی در ایران و تبیین چگونگی تشکیل دهیاری‌ها، نقاط قوت و ضعف آن‌ها را مورد تجزیه تحلیل قرار داده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که فعالیت‌های دهیاران گواه بر این مدعاست که امروزه دهیاران می‌توانند نقش مهمی در توسعه روستایی به ویژه بهبود اوضاع کالبدی - فیزیکی روستا ایفاء نمایند. عبدالهیان و همکاران (۱۳۸۵) در مقاله‌ای تحت عنوان اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستایی در

ایران بر اساس عوامل تأثیرگذار بر فرایند مدیریت روستاهای ایران، با طراحی فرمول اندازه گیری عملکرد مدیریت روستایی، ابزاری را برای سیاست‌گذاری‌های مدیریتی در روستاها فراهم نموده‌اند تا با کاربرد این ابزار بتوان اصلاح لازم را در حوزه ضعف‌های نظام مدیریت روستایی ایجاد کرد.

روش‌شناسی تحقیق

محدوده و قلمرو پژوهش - استان ایلام با ۲۰۱۵۰ کیلومتر مربع حدود ۱/۲ درصد مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد. این استان به شکل یک متوازی الاضلاع در گوشه جنوب غربی کشور واقع شده که در غرب سلسله جبال زاگرس بین ۳۱ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی واقع شده است. استان ایلام به خاطر زیبایی طبیعتش به «عروس زاگرس» شهرت یافته است. دهستان میش خاص در بخش مرکزی شهرستان ایلام و در جنوب شهر ایلام واقع شده است. این دهستان با مساحت ۲۳۱/۵ کیلومتر مربع ۱۱ درصد مساحت شهرستان را در بر گرفته است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ در سطح دهستان میش خاص ۱۹ روستای دارای سکنه وجود داشته است.



شکل شماره ۲: موقعیت منطقه‌ی مورد مطالعه

منبع: استانداری ایلام، ۱۳۹۰

روش تحقیق

جغرافیا، علمی است با روش‌های متعدد، بنابراین جغرافیا به مقتضای طبیعت خود، دارای روش تحقیق است (ژرژ، ۱۳۷۵؛ ص ۱۵) تحقیق حاضر برای رسیدن به اهداف بر اساس روش توصیفی-تحلیلی است و از آنجایی که نتایج این پژوهش مورد استفاده فرمانداری و دهیاری‌ها می‌باشد، نوع تحقیق از نظر هدف کاربردی است. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز از روش‌های گوناگون زیر استفاده شده است. روش کتابخانه‌ای و اینترنتی، روش اسنادی و آرشیوی، روش میدانی به صورت تکمیل پرسشنامه از جامعه نمونه و مصاحبه و مشاهده. جامعه آماری

عبارت است از کلیه عناصر و افرادی که در یک مقیاس جغرافیایی مشخص، دارای یک یا چند صفت مشترک باشند. از آنجایی که دهستان میش خاص دارای ۲۰ روستا می‌باشد، جامعه آماری در این پژوهش روستاهای دارای دهیاری و طرح هادی اجرا شده است که شامل ۱۰ روستا می‌باشند. برای برآورد حجم نمونه در روستاهای مورد مطالعه روش‌های متعددی مورد کند و کاو قرار گرفت و در نهایت، نمونه‌گیری به روش ریاضی و به کمک فرمول کوکران به شرح زیر صورت گرفته است. با توجه به محاسبات انجام شده تعداد نمونه ۲۳۸ نفر تعیین گردید.

در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق فرضیه‌ی زیر ارائه می‌شود: «به نظر می‌رسد که مدیریت نوین روستایی در تحولات سکونتگاه‌های روستایی نقش مثبت داشته است».

جدول شماره ۱: تعداد نمونه از هر روستا با استفاده از فرمول کوکران

شرح	جمعیت	مجموعه آباد	تعداد کل روستا	میدان	پلر آباد	چنگنه قجر	حسین آباد	داروند	چنار باشی	طولاب	کل
جمعیت	۲۰۹۲	۸۵۴	۱۱۳۹	۸۶۹	۶۹۱	۳۲۱	۶۱۸	۳۶۴	۴۶۲	۳۵۹	۹۱۷۷
تعداد نمونه	۶۴	۲۶	۳۵	۲۷	۲۱	۱۰	۱۹	۱۱	۱۴	۱۱	۲۳۸

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

تحولات جمعیتی - در روند تحولات جمعیتی در سطح روستاهای منطقه شاهدیم که جمعیت کل منطقه از ۹۲۰۶ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۹۱۷۷ نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش می‌یابد که نرخ رشد سالانه‌ای معادل ۰/۰۱۵- درصد را نشان می‌دهد. در توزیع فضایی نرخ رشد سالانه‌ی جمعیت در آبادی‌های منطقه، ۳ روستا دارای نرخ رشد منفی، ۵ روستا دارای نرخ رشد صفر تا یک درصد و فقط ۲ روستا دارای نرخ رشد سالانه‌ای بیشتر از یک درصد بوده‌اند. در بین روستاهای مورد مطالعه، روستای طولاب با ۲/۷- درصد پایین‌ترین و روستای جعفرآباد با ۱/۹ درصد بالاترین نرخ رشد سالانه را در دو دهه‌ی ۸۵-۱۳۶۵ دارا بوده است.

جدول شماره ۲: تحولات جمعیتی روستاهای نمونه در دوره‌های آماری ۱۳۶۵-۱۳۸۵

نام روستا	۱۳۶۵ (نفر)	۱۳۷۵ (نفر)	۱۳۸۵ (نفر)	نرخ رشد ۶۵-۷۵	نرخ رشد ۷۵-۸۵
پاکل گراب	۸۰۶	۹۷۶	۱۱۳۹	۱/۹۳	۱/۵۵
جعفرآباد	۱۴۳۷	۱۸۰۴	۲۱۰۵	۲/۳۰	۱/۵۵
چنار باشی	۵۲۵	۵۴۵	۴۶۲	۰/۳۷	-۱/۶۴
چنگنه قجر	۵۱۶	۲۹۳	۳۲۱	-۵/۵۰	۰/۹۲
حسین آباد	۴۹۴	۶۰۳	۶۱۸	۲/۰۱	۰/۲۵
حیدر آباد	۷۱۳	۶۳۶	۶۹۱	-۱/۱۴	۰/۸۳
داروند	۵۷۵	۵۶۴	۳۶۴	-۰/۱۹	-۴/۲۸
طولاب	۶۲۴	۵۶۸	۳۵۹	-۰/۹۳	-۴/۴۸
محمود آباد	۶۸۱	۸۴۳	۸۵۴	۲/۱۶	۰/۱۳
میدان	۸۳۶	۸۴۴	۸۶۹	۰/۰۹	۰/۲۹
کل دهستان	۹۲۰۶	۹۱۶۷	۹۱۷۷	-۰/۴۰	۰/۰۱

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، ۱۳۶۵، ۱۳۸۵

یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های فردی دهیاران- بر اساس نتایج تحقیق ۵۷ درصد از دهیاران روستاهای نمونه دارای سواد دیپلم و ۱۶ درصد دارای سطح سواد فوق دیپلم و ۲۷ درصد دارای سواد لیسانس و بالاتر بوده اند و گفتنی است که ۴۴ درصد از دهیاران منبع اصلی درآمدشان از کشاورزی و ۷ درصد از دامداری، ۳۹ درصد از حقوق دهیاری و ۱۰ درصد از فعالیت‌های خدماتی می‌باشد. بنابر اظهارات دهیاران پرداخت به موقع حقوق دهیاران و همچنین بیمه کردن دهیاران باعث دلگرمی و بهبود عملکرد آن‌ها خواهد شد. متوسط درآمد ماهیانه حاصل از دهیاری کمتر از ۱۷۵۰۰۰ تومان می‌باشد که از طریق شورا پرداخت می‌شود. بنابر اظهار دهیاران همین مبلغ اندک هم چند ماه یکبار پرداخت می‌شود. لذا دهیاران امنیت شغلی ندارند و اکثراً پاره وقت و شغل دیگری هم دارند. مشکل دیگر این است که دریافت حقوق توسط دهیاران برای شورا قابل توجه نیست و این امر هم می‌تواند بر رضایت شغلی دهیار و بالتبع عملکرد آن‌ها اثرگذار باشد. زیرا برخی از آن‌ها منبع درآمد دیگری جز دهیاری ندارند. بنابر اظهارات دهیاران پرداخت به موقع حقوق دهیاران و همچنین بیمه کردن دهیاران باعث دلگرمی و بهبود عملکرد آن‌ها خواهد شد. طی بررسی‌های به عمل آمده ۴۱ درصد دهیاران از قبول مسئولیت دهیاری در حد زیاد و خیلی زیاد ۳۹ درصد در حد متوسط و ۲۰ درصد کم و خیلی کم رضایت داشته‌اند. بنابر اظهار نظر دهیاران عواملی که سبب می‌شود اکثریت دهیاران رضایت شغلی خود را در حد متوسط و کم بدانند این است که سطح حقوق، دستمزد، مزایا و دیگر خدمات مورد نیاز دهیار، متناسب با کارکرد و فشار کاری دهیار نمی‌باشد و حتی در قانون دهیاری‌ها، زمان خدمت دهیار ۴ سال و از طرف شورا تعیین شده است. بدون آنکه حقی برای وی در زمینه استخدام و یا مطالباتی از قبیل بیمه تامین اجتماعی، خدمات درمانی و بیکاری قائل شود، بنابراین صراحتاً این حقوق در همان قانون از وی سلب شده است.

نقش دهیاری‌ها در تحول مساکن روستایی- در برنامه ی سوم توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور رویکرد تمرکززدایی از وظایف دستگاه‌های دولتی به عنوان یکی از رویکردهایی است که در عرصه‌ی جهانی تجربه شده است. در تدوین برنامه‌ی سوم توسعه‌ی کشور، ضمن آگاهی از مضار تمرکز تصدی‌های غیرضروری در بدنه‌ی دولت، در چندین ماده‌ی قانونی تلاش گردید تا زمینه‌ی واگذاری برخی از وظایف اجرایی دستگاه‌های دولتی به نهادهای عمومی غیردولتی و محلی فراهم گردد (قدیری معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳، ص ۱۱). دهیار با توجه به موقعیت محل و با درخواست شورا برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند و به صورت خودکفا با شخصیت حقوقی مستقل همانند شهرداری‌ها به عنوان نهاد عمومی غیردولتی مشغول کار می‌گردند. تأسیس دهیاری در روستاها را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ مدیریت روستایی به شمار آورد زیرا از هنگام دخالت در مدیریت روستاها و تأسیس انجمن ده همواره مدیریت آن‌ها بر عهده انجمن یا شورای ده بوده است. با تأسیس دهیاری علاوه بر شورای روستا به عنوان قانونگذار و تصویب کننده‌ی برنامه‌های عمران روستایی، مدیریت اجرایی امور روستا نیز بر عهده دهیاری‌ها گذاشته شده است (چوبچیان و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۹۱-۹۰). در ماده ۱۰ قانون تشکیل دهیاری‌های خودکفا وظیفه اجرای طرح‌های هادی بر عهده دهیاری‌ها قرار گرفته بود اما در اصلاحات بعدی که اعمال شد واژه وظیفه به همکاری تبدیل شد. در مورخ ۸۳/۷/۲۴ مجلس شورای اسلامی اصلاحات قانون دهیاری‌ها را تصویب کرد که مجدداً وظایف

اجرایی با عنوان اجرای طرح‌های عمرانی و خدماتی در محدوده روستا در صورت آمادگی با تأیید کمیته برنامه‌ریزی شهرستان بر عهده دهیاری‌ها گذاشته شد (شنوایی، ۱۳۸۶، ص ۴). دهیاران باید با اعتبارات خود، خودیاری اهالی روستا و عوارضی که بر مواردی از امور روستا بسته خواهد شد، روستا را خودکفا و به سمت رعایت اصول طرح هادی هدایت نمایند (احمدیان، رضا و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۶). به نظر می‌رسد اگر اصل بر مشارکت بیشتر مردم در اداره امور و توسعه روستایی باشد شوراها و انتخاب کسانی توسط روستاییان به عنوان مدیر روستا، بهتر می‌تواند ضامن توفیقات باشد، بدیهی است مدیران روستا که در رابطه با بخشداری‌ها قرار خواهند گرفت بسیاری از وظایف مربوط را عهده‌دار خواهند بود (طالب، ۱۳۷۶، ص ۷۵).

جدول ۳: وضعیت بودجه دهیاری‌ها جهت اجرای کارهای عمرانی در روستاهای مورد مطالعه در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۴

روستاهای مورد مطالعه	درآمدهای ناشی از عوارض عمومی (درآمدهای مستمر مردمی) (ریال)	درآمدهای ناشی از عوارض اختصاصی (واریزی استناداری) (ریال)	جمع کل (ریال)
میدان	۳۰۱۷۹۴۲۰	۵۴۱۷۸۹۲۱	۸۴۳۵۸۳۴۱
چنارباشی	۱۵۵۶۴۳۱۰	۳۱۴۵۲۱۸۷	۴۷۰۱۶۴۹۷
حسین آباد	۲۰۷۶۵۱۱۰	۳۷۵۳۲۱۹۴	۵۸۲۹۷۳۰۴
محمودآباد	۱۴۳۵۲۱۶۵	۲۰۱۳۹۵۶۰	۳۴۴۹۱۷۲۵
حیدرآباد	۲۴۵۲۵۱۲۰	۴۵۳۹۲۱۸۲	۴۷۶۹۱۷۳۰۲
داروند	۱۴۳۹۲۱۳۱	۲۰۵۵۲۱۸۳	۳۴۹۴۴۳۱۴
چنگیه فجر	تازه تأسیس	تازه تأسیس	-
طولاب	تازه تأسیس	تازه تأسیس	-
جعفرآباد	۲۵۱۷۴۳۹۲	۵۰۱۳۵۹۲۹	۷۵۳۱۰۳۲۱
پاکل گراب	۱۰۵۲۵۱۳۹	۳۵۷۹۲۱۵۳	۴۶۳۱۷۲۹۲

منبع: بخشداری مرکزی ایلام، ۱۳۹۰

بر اساس جدول بالا بیشترین درآمد دهیاری مربوط به روستای حیدرآباد است، همچنین مشارکت مردم روستا در اجرای طرح‌ها و اعتبارات کمک مؤثری در پیشبرد اهداف طرح هادی در روستاها بخصوص در این روستا شده است. موفقیت دهیاران در اجرای طرح‌ها و کارهای عمرانی به عنوان یک مدیر روستا رابطه نزدیکی با میزان مشارکت روستاییان دارد. میزان مشارکت روستاییان در فعالیت‌های دهیاری بستگی به شرایط اجتماعی و فرهنگی روستاها و میزان حمایت‌های دولتی دارد. یکی از کمک‌های دولتی اعطای کمک‌های مالی جهت مسکنی است که در طرح قرار دارند. این امر باعث پیشرفت کارها و موفقیت دهیاران در اجرای پروژه‌ها می‌شود. در روستاهای مورد مطالعه نیز وجود شخصی به نام دهیار می‌تواند به عنوان مدیر در روستاها بر کارهای اجرایی نظارت داشته باشد. تا طرح‌ها و پروژه‌ها سریع‌تر و بهتر اجرا گردند. مسکن، پناهگاه و اقامتگاه انسانی، زائیده مهم‌ترین احتیاجات انسان‌ها می‌باشد. به طوری که به صورت یکی از عناصر مهم تشکیل دهنده‌ی کانون زندگی مردم درآمده است. مسکن روستایی، تجلی‌گاه شیوه‌های زیستی، معیشتی و نهایتاً نیروها و عوامل مؤثر محیطی و روندهای اجتماعی-اقتصادی تأثیرگذار در شکل بخشی به آن‌ها است. بنابراین باید گنجایش و شایستگی خاصی پیدا کند. متأسفانه اغلب روستاییان ایران در منزل‌های غیرمکفی و با وسایل تهویه ناقص و تاریک زندگی می‌کنند که وضعیت بهداشت

مسکن روستاییان بسیار نامناسب است. در این راستا از لحاظ فیزیکی اولین گام در احیای روستاهای کشور بهسازی مسکن روستایی خواهد بود. برای اصلاح مسکن و تأسیسات گوناگون در مناطق روستایی اطلاع از کیفیت ابنیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا بتوان با توجه به توان مردم، شرایط و موقعیت، نوع اصلاح مسکن را انتخاب نمود (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۰).

جدول ۴: نوع مسکن جامعه نمونه با توجه به مصالح به کار رفته در روستاهای مورد مطالعه

نوع مسکن	سنگ	آجر	خاک	گل	سنگ	آجر	خاک	گل	سنگ	آجر	خاک	گل
نوساز (درصد)	۹۰	۹۵	۸۵	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰	۸۴/۵
کلی و سنگی (درصد)	۱۰	۵	۱۵	۲۰	۱۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۱۵/۵

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که دهیاران با همکاری و نیازسنجی‌های متناسب در اجرای طرح‌های هادی و کالبدی در روستاهای این دهستان توانسته نقش مؤثری در بهبود وضعیت مسکن و نوسازی آن‌ها داشته باشد و در روستاهای مورد مطالعه شاهد مسکنی با مصالح نو و بادوام (آجر، سیمان، آهن و...) هستیم که سیمایی متفاوت به روستاهای مذکور داده است. کیفیت پایین مصالح یکی از عوامل مهمی است که باعث تخریب سازه‌های زیادی شده است (الیاسی، ۱۳۸۷: ۷۳) استفاده از مصالح جدید باعث ایمن‌سازی مسکن در برابر حوادث طبیعی مثل سیل، زلزله و غیره شده و مقاوم‌سازی مسکن را به دنبال داشته است. با دقت نظر می‌توان دریافت که اجرای طرح‌های توسعه در وضعیت کالبدی و بافت روستاها تأثیرگذار بوده است. چرا که امروزه با توسعه ارتباطات و تعامل افراد روستایی با شهرنشینان و اجرای طرح‌های فیزیکی و اصلاح بافت روستاها سطح توقع روستاییان نیز بالا رفته و بر طرز نگرش و زندگی آن‌ها نیز تأثیرگذار بوده است. به طوری که همانند تغییر در ظاهر روستا در سطح مسکن خود نیز تغییر ایجاد کرده و معماری قدیمی آن را اصلاح می‌کنند.

جدول ۵: مساحت و زیربنای مسکن جامعه نمونه در روستاهای مورد مطالعه

مساحت واحدهای مسکونی			سطح زیربنای واحدهای مسکونی		
مساحت (متر)	تعداد	درصد	زیربنا (متر)	تعداد	درصد
۱۰۰-۲۰۰	۷۵	۳۲	تا ۱۰۰ متر	۸۴	۳۵/۱
۲۰۰-۳۰۰	۸۳	۳۴	۱۰۰-۱۵۰	۱۱۶	۴۸/۶
۳۰۰-۴۰۰	۳۶	۱۵	۱۵۰-۲۰۰	۲۸	۱۱/۷
۴۰۰-۶۰۰	۲۴	۱۰	۲۰۰ به بالا	۱۰	۴/۶
۶۰۰-۳۰۰۰	۲۰	۹			
کل	۲۳۸	۱۰۰	کل	۲۳۸	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۶۱/۸ درصد واحدهای مسکونی در منطقه دارای ۲ اتاق و ۲۳/۵ درصد دارای ۳ اتاق، ۶/۳ درصد ۱ اتاق و ۶/۳ درصد هم دارای ۴ اتاق می‌باشند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که دهیاران با همکاری در اجرای هر چه بهتر طرح‌های هادی در منطقه مورد مطالعه (از آنجا که این طرح‌ها در اصلاح بافت روستاها تأثیری ویژه در ورود معماری غیربومی به ساخت و ساز سکونتگاه‌های روستایی داشته است، همان‌طور که بافت روستاها

تغییر یافته اثر آن در معماری داخلی مسکن نیز قابل ملاحظه می‌باشد) نقش بسزایی در تحول مسکن و تنوع معماری روستایی داشته‌اند.

روند ساخت و سازهای جدید - یکی از مهم‌ترین اهدافی که طرح هادی روستایی دنبال می‌کند، انتظام بخشی به روند گسترش ساخت و ساز در مناطق روستایی است (عظیمی و جمشیدیان، ۱۳۸۴:۵). در روستاهای مورد مطالعه پس از اجرای طرح هادی و بهبود بافت فیزیکی روستاها و ارائه خدمات بیشتر به آنها، روستاییان تمایل بیشتری به ماندن در روستاها دارند. چرا که اجرای کامل طرح‌ها و ارائه خدمات باعث رفع بسیاری از نیازهای روستاییان شده که این امر منجر به توسعه ساخت و سازهای جدید در این روستاها شده است به خصوص در روستاهای حیدرآباد، جعفرآباد، میدان و محمودآباد که با اجرای طرح هادی مردم روستا اقدام به ساخت مسکن جدید نموده‌اند. همچنین با توجه به طرح مسکن مهر و طرح مقاوم‌سازی بنا در استان که در جهت استفاده از تسهیلات بانکی بوده است. با توجه به جوانی جمعیت در روستاهای مورد مطالعه، ضمن رفع کمبود مسکن پیشنهاد جهت افزایش مسکن در این روستاها وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پس از اجرای طرح هادی در روستاهای مورد مطالعه وسعت فضاهای مسکونی افزایش یافته است.

جدول ۶: نگرش روستاییان در خصوص میزان مشارکت آن‌ها در زمینه اجرایی، فنی و مالی در روستاهای مورد مطالعه

شرح	داروند	میدان	جعفرآباد	تاکل گرا	محمودآباد	حیدرآباد	حیدرآباد	تاکل گرا	کل
مشارکت اجرایی (فیزیکی)	مخالف (درصد)	۱۸/۲	۴۰/۷	۵۰	۲۰	۳۰/۸	۴۱	۷۲/۸	۳۲/۸
	بی نظر (درصد)	۰	۷/۵	۹/۳	۲۵/۷	۱۱/۵	۰	۰	۱۰/۵
	موافق (درصد)	۸۳/۸	۵۱/۸	۴۰/۷	۵۴/۳	۵۷/۷	۵۹	۶۴/۳	۵۶/۷
مشارکت فنی	مخالف (درصد)	۶۳/۷	۴۴/۴	۴۰/۷	۳۱/۵	۲۶/۹	۴۲/۱	۶۳/۶	۴۰/۳
	بی نظر (درصد)	۲۷/۳	۲۲/۲	۳۱/۳	۳۴/۲	۷/۷	۲۱	۹/۱	۲۲/۷
	موافق (درصد)	۹	۳۳/۴	۲۸	۳۴/۳	۶۵/۴	۳۶/۹	۳۵/۸	۳۷
مشارکت مالی	مخالف (درصد)	۷۲/۷	۵۹/۲	۵۱/۶	۵۴/۳	۳۶/۹	۳۳/۳	۷۱/۴	۵۴/۶
	بی نظر (درصد)	۰	۲۹/۶	۱۷/۲	۲۲/۹	۵/۲	۰	۱۴/۳	۱۴/۸
	موافق (درصد)	۲۷/۳	۱۱/۶	۳۱/۶	۲۲/۸	۳۸/۵	۵۷/۹	۱۴/۳	۳۰/۶

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

در روستاهای مورد مطالعه طبق نظر روستاییان بیشترین مشارکت در بخش اجرایی (فیزیکی) بوده که معادل ۵۶/۷ درصد بوده است. حداکثر مشارکت در روستای حیدرآباد ۹۰/۵ درصد و کم‌ترین مشارکت در روستای طولاب بوده است. در منطقه مورد مطالعه روستای حیدرآباد به عنوان یک روستای نمونه شناخته شده که دارای بیشترین مشارکت مردم به خصوص در عقب‌نشینی مسکن جهت تعریض معابر، و همکاری در زمینه‌ی اجرای طرح‌ها داشته است. روستاهای میدان، جعفرآباد، داروند نیز در تعریض معابر و عقب‌نشینی مسکن همکاری کرده‌اند.

جدول شماره ۷: نگرش جامعه نمونه در خصوص وضعیت وام مسکن در روستاهای مورد مطالعه

شرح	داروند	میدان	آبگرمآباد	نکاگر	محمودآباد	پلین	پلرآباد	تارآباد	کلیان	کل
سطح اعطای وام مسکن (درصد)	۱۰۰	۹۲/۶	۹۴	۹۱/۴	۱۰۰	۹۴/۷	۹۵/۲	۷۸/۶	۵۰	۹۲
میزان رضایت از وام مسکن (درصد)	۴۵/۵	۷۰/۴	۶۷/۲	۷۱/۴	۷۳/۱	۶۳/۲	۵۷/۱	۴۲/۹	۲۰	۶۳

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

پس از اجرای طرح های فیزیکی - کالبدی و تعریض معابر در اکثر روستاها که منجر به تخریب و عقب نشینی مسکن شده است، بیشتر روستاییان آسیب دیده توانسته‌اند از وام‌های اعطایی استفاده کنند. در کل منطقه مورد مطالعه سطح اعطای وام مسکن و استفاده روستاییان از آن ۹۲ درصد، و سطح رضایت مردم از وام‌های اعطایی ۶۳ درصد بوده است. عدم رضایت روستاییان از وام‌ها به دلیل کم بودن وام اعطایی، و نحوه باز پرداخت آن‌هاست که با سود اضافی ۴ درصد و به صورت ماهیانه می‌باشد. این امر با توجه به وضعیت بد اقتصادی خانوارها برای آن‌ها مشکل ساز است. لازم به توضیح است در منطقه مورد مطالعه وام جهت ساخت مسکن ۷ میلیون تومان بوده که بهره آن ۴ درصد می‌باشد. وام جهت تخریب مسکن و یا تعمیرات ۷ میلیون تومان، همچنین وام جهت ساخت حمام ۵۰۰ هزار تومان بوده است. اعطای وام تا حدودی توانسته مشکلات مالی روستاییان را کاهش دهد و زمینه‌ای جهت توسعه روستا، بهسازی و نوسازی مسکن را فراهم نماید

نتیجه‌گیری و ارایه پیشنهادات

با از بین رفتن انجمن ده و پایان یافتن اقتدار کدخدا، روستاها تا مدت مدیدی با رهبری ریش سفیدان و معتمدان اداره می‌شد. با برگزاری انتخابات و شکل گرفتن شوراهای اسلامی روستا، تشکیل کمیته های عمران (برای پیشبرد طرح‌های هادی)، دهیاری‌ها و... می‌توان گفت مدیریت روستایی ساختاری نوین پیدا کرد و از آن پس دستگاه‌های دولتی می‌توانستند با مراجعه به اعضای شورا و... از اجرای موفق طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای اطمینان حاصل کنند. به این ترتیب در این سال‌ها تهیه و اجرای طرح‌های هادی روستایی در زمینه مشارکت مردم تجربه‌های متفاوتی اندوخته است. اکنون با ایجاد دهیاری‌ها، تعیین وظایف آنان و تامین اعتبار توسعه روستا می‌توان امیدوار بود دستاوردهای طرح‌های هادی روستایی به طور موثرتر و کارآمدتری به بار نشیند و زمینه بهبود کیفیت زندگی روستاییان را فراهم سازد. دهیاری‌ها از بدو تشکیل تاکنون با استفاده از همیاری و مشارکت مردم و کمک‌های دولتی اقدامات مثبتی انجام داده‌اند. اجرای طرح هادی روستایی، برنامه خدمات عمومی و برنامه خدمات اجتماعی - اقتصادی، سه فعالیت عمده دهیاری‌ها را تشکیل می‌دهد. تشکیل دهیاری‌ها و شکل‌گیری مدیریت اجرایی در سطح روستاها، زمینه مناسبی را برای اجرای طرح‌های هادی روستایی و موفقیت اجرای آن‌ها فراهم ساخته است. در گذشته نبود مدیریت واحد و یکپارچه، مشکلات بسیاری را در فرآیند تهیه و اجرای طرح هادی روستایی فراهم می‌کرد و این مسئله در عدم توفیق نسبی این طرح‌ها بسیار موثر بود. ولی در روستاها دارای دهیاری، دهیاری همانند شهرداری مسئول اجرای این طرح‌ها است و می‌تواند با مشارکت مردم، و دیگر دستگاه‌های اجرایی، این طرح‌ها را اجرا نماید. وظیفه بنیاد مسکن در این زمینه طبق تفکیک وظایف انجام شده، صرفاً تهیه و نظارت بر اجرای این

طرح‌ها است. در واقع همان تفکیک وظایفی که که بین شهرداری و سازمان مسکن و شهرسازی در زمینه تهیه طرح و اجرای طرح‌های توسعه شهری وجود دارد، بین دهیاری و بنیاد مسکن نیز در زمینه تهیه و اجرای طرح هادی بهسازی روستایی به وجود آمده است. فعالیت دهیاری‌ها در چارچوب برنامه اصلی مطرح است، اجرای طرح هادی روستا که برنامه پنج ساله هم جزء آن است، برنامه اجتماعی و اقتصادی و برنامه خدمات عمومی. هر برنامه نیز چند طرح دارد که جمعاً ده طرح است از جمله وظایف دهیارها، پیشنهاد پروژه‌های عمرانی در قالب طرح‌های فوق به شورای اسلامی روستا و پس از تأیید شورا و بخشرداری و امضای فرمانداری ارائه مکتوب طرح به معاونت عمرانی استانداری و اخذ اعتبارات لازم از سازمان شهرداری‌ها و دهرداری‌ها کشور و اجرای پروژه با نظارت فنی بخشرداری، فرمانداری و معاونت عمرانی استانداری است. اکنون پس از گذشت تنها چند سال اندک از شروع عملکرد مدیریت نوین روستایی نمی‌توان انتظار زیادی از آن‌ها در تغییرات کالبدی - فضایی انتظار داشت. دهیاران با همکاری با بنیاد مسکن و مشاور طرح هادی روستا و نظرات سودمند خود؛ می‌توانند کمکی در برنامه‌ریزی از پائین به بالا برای دولت باشند و نقش موثری در انطباق هر چه بیشتر طرح‌های تهیه شده با نیازهای واقعی مردم و محیط طبیعی داشته باشند. اجرای طرح‌های هادی روستایی در ابعاد مختلف فیزیکی، زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی می‌تواند مؤثر باشد.

براساس یافته‌های تحقیق به آزمون فرضیه‌ی آن یعنی «به نظر می‌رسد که مدیریت نوین روستایی در تحولات سکونتگاه‌های روستایی نقش مثبت داشته است» خواهیم پرداخت

جدول شماره ۸: آزمون خی ۲ جهت بررسی نقش دهیاران در تحول مسکن با همکاری در اجرای طرح‌های هادی روستایی

Chi-square	۷۰/۶۱۰
Df	۴
Asymp. sig.	>P ۰/۰۰۱

چون $x=70/610$ با $df=4$ و $P>0/001$ از $\alpha=0/05$ کوچکتر است. لذا فرضیه H_1 تأیید می‌گردد و فرض H_0 رد می‌شود. بدین معنی که دهیاری به عنوان یک نهاد مدیریتی باعث بهبود فیزیکی - کالبدی روستاهای دهستان میش خاص شده است.

با توجه به نقش دهیاران در اجرای طرح‌های هادی و آثار ناشی از اجرای آن در روستاها و نظر پاسخگویان می‌توان دریافت که با اجرای این طرح‌ها بافت فیزیکی روستاها نسبت به قبل از اجرای طرح‌ها بهتر شده است. لذا با انجام این اقدامات و اصلاح وضعیت روستاها، بافت فیزیکی و کیفیت معماری مسکن روستاها بهبود یافته است.

لذا پیشنهاداتی در ابعاد فوق با توجه به نتایج اجرای طرح‌ها در روستاهای مورد مطالعه ارائه می‌شود:

➤ در دهستان میش خاص بافت روستا که به صورت طبیعی تحت تأثیر منابع آب به صورت متمرکز بوده است. در اثر اجرای طرح هادی و کالبدی بافت روستا، همچنان به صورت متمرکز باقی مانده است و هیچ تأثیری در تغییر بافت روستاها نداشته است

➤ معماری و وضعیت مسکن بعد از اجرای طرح هادی به شیوه‌ی مسکن شهری تغییر کرده است به نحوی که با وارد شدن به روستاها نوع سکونتگاه‌ها به شیوه‌ی سکونتگاه‌های شهری دیده می‌شود. لذا باید در جهت حفظ

ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و معماری سنتی روستاها تلاش کرد تا روستاهایی با معماری سنتی و با توجه به محیط آن البته با حفظ مقاوم‌سازی ابنیه در مقابل حوادث و... در روستاها داشت تا شاهد حفظ ارزش‌های فرهنگی و طبیعی در روستاها بود.

➤ پس از اجرای طرح هادی روند ساخت و ساز در روستاهای مورد مطالعه افزایش یافته است. به‌خصوص در روستای جعفرآباد که پس از اجرای طرح هادی زمینه مهاجرپذیری فراهم شده است. این امر منجر به افزایش ساخت و ساز و در نتیجه کاهش زمین جهت سکونتگاه در این روستا شده است. با کاهش زمین در محدوده عرفی روستا مجبور به ساخت مسکن در حاشیه و خط محدوده روستا شده اند که این امر منجر به بازنگری در طرح شده است. با توجه به این امر باید مشاوران از افرادی کارشناس، باتجربه و آگاه به منطقه انتخاب شوند تا در تهیه طرح دقت شود و طرح تهیه شده به جمعیت رو به افزایش (ده سال آینده روستا) جوابگو باشد. تا این امر منجر به بازنگری مجدد در طرح نشود.

➤ در روستاهای مورد مطالعه بایستی مسیر توسعه و گسترش مشخص باشد و واحدهای مسکونی در جهاتی توسعه یابند که به زمین‌های کشاورزی و باغات آسیب وارد نشود. بنابراین باید در احداث سکونتگاه‌ها و ساخت و سازهای جدید از فضاهای خالی موجود در داخل بافت روستاها جهت کاربری مسکونی حداکثر استفاده را برد و از تخریب زمین‌های کشاورزی و باغات خودداری شود چرا که اقتصاد این منطقه بیشتر بر پایه ی کشاورزی و باغداری استوار است.

منابع

احمدیان، رضا، محمدی ماکرانی، حمید و موسوی، سیروس، (۱۳۸۷). ویژگی‌های شکلی بافت‌های روستایی ایران، نویسندگان، نشریه آبادی. شماره ۵۹.

ازکیا، مصطفی و غفاری غلامرضا، (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران. تهران: نشر نی، الیاسی، جهانگیر، (۱۳۸۷). آنچه باید از تخریب و انهدام سازه‌های بتنی در زلزله‌های اخیر ترکیه آموخت، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره ۱۲۱.

بهفروز، فاطمه، (۱۳۷۸). فلسفه روش‌شناسی تحقیق عملی در جغرافیا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، پژوهشکده سوانح طبیعی، (۱۳۸۸). ارزشیابی اثرات اجرای طرح هادی روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی: معاونت عمران روستایی،

چوبچیان، شهلا، کلاتری، خلیل و شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۸۶). عوامل موثر بر عملکرد دهیاری‌های استان گیلان، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲،

رضوانی، محمد رضا (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. تهران: نشر قومس، رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۶۷). کندوکاوها و پنداشته‌ها. تهران: انتشارات سهامی انتشار (بلیکی، ترجمه چاوشیان، ۱۳۸۴)، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، سجاسی قیداری، حمدالله و عینالی، جمشید، (۱۳۸۶). نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۳۱-۱،

رهنمایی، محمد تقی (۱۳۷۰). توان‌های محیطی ایران. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری

- سازمان برنامه و بودجه (۲۵۳۵). گزارش مرحله دوم کمیته برنامه‌ریزی جامعه روستایی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، (۱۳۸۷). دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، سعیدی، عباس (۱۳۷۹). **مبانی جغرافیای روستایی**. تهران: انتشارات سمت،
- شنوایی، حسین، (۱۳۸۶). عمران روستایی و سند چشم‌انداز بلندمدت، روزنامه ایران شیخی، محمدتقی (۱۳۷۹). **مقدمه‌ای بر مباحث جمعیت‌شناسی**. [تهران]: نشر آرام،
- طالب، مهدی و عنبری، موسی (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی روستایی در ایران با تاکید بر ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی، انتشارات دانشگاه تهران
- طالب، مهدی (۱۳۷۶). **مدیریت روستایی در ایران**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- عبدالهیان، ح، شریعتی، ش و شوشتری‌زاده، ا (۱۳۸۵). اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستایی در ایران بر اساس عوامل تاثیرگذار بر فرایند مدیریت در روستاهای ایران، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۴۳، صص ۲۶۷-۲۲۷،
- عظیمی، نورالدین و جمشیدیان مجید، (۱۳۸۴). بررسی اثرات کالبدی اجرای طرح‌های هادی روستایی مطالعه موردی غرب گیلان، **نشریه هنرهای زیبا**، شماره ۲۲،
- علینی، محسن، (۱۳۸۵). بررسی زمینه‌های تاریخی و چالش‌های ساختاری مدیریت روستایی در ایران، **مجله‌ی تحول اداری**، دوره ۱۰، شماره ۵۴، صص ۱۰۶-۶۸،
- فیروزی‌نیا، قدیر، افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین (۱۳۸۲). **جایگاه روستا در فرآیند توسعه ملی از دیدگاه صاحب نظران**. تهران: مؤسسه توسعه روستایی،
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی، (۱۳۸۸). مدیریت روستایی در ایران معاصر. **مجله‌ی تعاون**. سال ۲۰، شماره ۲۰۳ و ۲۰۲، صص ۶۷-۴۹،
- مجتبی قدیری معصوم و وحید ریاحی (۱۳۸۳). بررسی محورهای و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران، **فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی**، شماره ۵۰،
- مطیعی لنگرودی، حسن، (۱۳۸۲). **برنامه ریزی روستایی با تاکید بر ایران**. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ اول
- مهدوی، مسعود و نجفی‌کانی، علی اکبر، (۱۳۸۴). دهیاری‌ها تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستایی ایران- نمونه‌ی موردی: دهیاری‌های استان آذربایجان غربی، **مجله‌ی پژوهش‌های جغرافیایی**، شماره ۵۳، صص ۳۹-۲۱،
- نعمتی، مرتضی و بدری، سیدعلی، (۱۳۸۶). ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی، مقایسه تطبیقی دهیاری‌های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ- مطالعه‌ی موردی: استان گلستان، **مجله پژوهش‌های جغرافیایی**، شماره ۵۹، صص ۱۷۶-۱۶۱،